ابزارهایی در جعبه ابزار انقلاب

# جستارگشایی

شعارهایی نظیر «زن، زندگی، آزادی»، «حجاب بهانه است، اصل نظام نشانه است»، «جمهوری اسلامی، نمیخوایم، نمیخوایم»، « فقر، فساد، گرونی، می‌ریم تا سرنگونی»، « قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان» و «این دیگه اعتراض نیست، شروع انقلابه» نشان می‌دهند که مردم ایران عزم خود را جزم کرده‌اند که از جمهوری اسلامی گذار کنند. برای گذار از جمهوری اسلامی، مردم چه امکانات و چه ابزارهایی دارند؟



جمهوری اسلامی یک رژیم فاشیستی و تمامیت‌خواه است. برای بقای خود دست به هر جنایتی می‌زند. یک نیروی مادی را باید با یک نیروی مادی قوی‌تر و منسجم‌تر از میدان بیرون کرد. هرگونه دست کم گرفتن توانایی‌ها، مهارت‌ها، هوشمندی، هوشیاری، قدرت تبلیغ، مکر، حیله و مردم‌فریبی رژیم برای انقلاب سَمی کشنده است. برای سرنگونی حکومت اسلامی مردم ابزارها و امکاناتی گوناگون دارند که همه‌ی آنها را باید برای تضعیف و در نهایت درهم شکستن نیروی سرکوب و توان مالی آن در مواقع مناسب بکار گیرند.

# همبستگی ملی

در مبارزه با رژیم تمامیت‌خواه، مردم و رژیم بر اصول متفاوت تکیه دارند. رژیم به سلاح، سرکوب، دروغ و فریب تکیه دارد و مردم به همبستگی، دلیری و قدرت جمعی خود و افشاگری ماهیت رژیم.

همبستگی ملی ایرانیان، علیرغم تفرقه‌افکنی رژیم بسیار عالی است. مردم در شعارهای خود این همبستگی را در سراسر کشور فریاد می‌زنند. باید این همبستگی را مانند مردمک چشمان مواظبت کنیم و ژرفش ببخشیم.

این همبستگی می‌تواند و باید با تعهد همگانی به یکپارچگی سرزمینی و عدم توسل به زور در اعمال برنامه و خواست‌ها، حل مناقشات و اختلافات، اصول بنیادی چون آزادی، دموکراسی، سکولاریسم، عدالت اجتماعی، حقوق بشر و حق شهروندی و به رسمیت شناختن حقوقِ اتنیک‌ها، اقوام و اقلیت‌ها، تدریس زبان مادری و توسعه فرهنگ و هنر بومی، و حقوقی همچون حق تشکل‌یابی بیش از پیش تحکیم و تقویت شود.

# جبهه‌ی گسترده و سازماندهی سراسری

برای درهم شکستن رژیم اسلامی، اصلی‌ترین و کاراترین ابزار ما همبستگی گسترده و سازمان‌یافته‌ی همه‌ی نیروهای سرنگونی‌خواه در یک ائتلاف گسترده است. هرگونه بهانه‌ای که به جلوگیری از این همبستگی با اختلاف نظر در تاریخ گذشته، نظام آینده و ویژگی جامعه ایران، منجر شود، کمک به بقای رژیم اسلامی است. پافشاری بر موضع‌گیری و نظر خود بر مسائلی مثل جمهوری‌خواهی یا مشروطه‌خواهی، سکولاریسم یا لائیسیته، چگونگی عدم تمرکز، تحلیل و نقد حوادث تاریخی مانع شکل‌گیری جبهه وسیع است. بسیاری از این مسائل را فقط در نظام دموکراتیک آینده مردم و نمایندگان منتخب آنها می‌توانند حل کنند.

پی بردن به این حقیت که هیچ‌یک از بلوک‌های راست، میانه و چپ در این سازمان‌یافتگی و ارتباط با توده‌های کافی برای سرنگونی رژیم فاشیسم مذهبی در ایران را ندارند، درک لزوم هم‌پیمانی همه‌ی نیروها در یک ائتلاف برای براندازی رژیم اسلامی را راحت‌تر می‌کند.

یکی از نقاط قوت انقلاب «زن، زندگی، آزادی» گسترده بودن آن، پراکنده بودن رهبران میدانی در سراسر کشور و عدم تمرکز و در نتیجه ضربه‌پذیری کمتر آن است. اما در عین عدم تمرکز، باید راهی برای هم‌جهت شدن نیرو برای واردآوردن ضربات سنگین به رژیم پیدا کنیم.

مردم باید در یک جبهه گسترده ملی سازماندهی شوند. تنها یک انقلاب سازمان‌یافته شانس پیروزی دارد. برای غلبه بر یک نظام فاشیستی منسجم و متمرکز با کنترل وسیع، سازماندهی بسیار منسجمی لازم است. جبهه باید یک منشور حداقلی داشته باشد و بر سرنگونی رژیم و ایجاد دموکراسی که مردم در آن بتوانند آزادانه انتخاب بکنند، متمرکز باشد.

تظاهرات پی‌درپی و بی‌وقفه لازم است ولی برای تسخیر قدرت کافی نیست. رهبری یا ستاد فرماندهی باید شکل بگیرد و سازماندهی سراسری را هماهنگ کند. در این مبارزه مرگ و زندگی با حکومت تمامیت‌خواه دو سطح سازماندهی نیاز داریم.

نخست توده‌ها باید در سطح محلات مسکونی، محل‌های تولیدی، کار و تحصیل متشکل شوند و در سه مرحله‌ی دوران گذار، خلاء قدرت و استقرار نظام نوین وظایف مشخص را به عهده بگیرند.

در دوران گذار، سازمان دادن تضعیف همه‌جانبه‌ی نظام تا سقوط آن

در دوران خلاء قدرت، حفظ نظم و کمک رسانی و مدیریت جامعه

در دوران استقرار نظام نوین، کمک به شکل گیری ارکان نظام دموکراتیک

## الف – مرحله بسیج و مبارزه برای سرنگونی

در این مرحله باید:

راه سرنگونی را به شکل کلی ترسیم کند.

رهبری جمعی جنبش باید شکل بگیرد و به مردم ایران و جهان شناسانده شود

روابط خود را با مدعیان رهبری جنبش روشن کند

نیروهای سیاسی چپ، میانه و راست را همگام کند

رهبری باید اعتماد مردم، جنبش‌های صنفی، مدنی و محیط‌زیستی را جلب کند و آنها را به پشتیبانی خود مطمئن سازد

در حکومت ریزش ایجاد کند (هم در نیروی مسلح و هم در نظام مدیریت)

حکومت اسلامی را در جهان ایزوله و حمایت جهانی آنرا متوقف و خود را آلترنایو معرفی کند و حمایت و پشتیبانی معنوی حکومت‌ها و مردم جهان را جلب کند (همانند افریقای جنوبی دوران آپاراید)

## ب – دوران خلاء قدرت

در این مرحله باید:

سازوکار انتقال از پیش سازمان یافته باشد

ارتباط با رهبران میدانی برقرار شده باشد

سازوکار امنیت روشن باشد – اطمینان حاصل شود که آشوب، بی‌نظمی و جنگ داخلی نمی‌شود

سازو کار لژستیک روشن باشد - اطمینان حاصل شود که قحطی و بحران آب، برق و غذا ایجاد نمی‌شود

ساز و کار حفظ یکپارچگی کشور روشن باشد

## پ – شکل‌گیری نظام دموکراتیک

در این مرحله باید:

مسیر کلی نیل به نظام دموکراتیک روشن شود

گفتمان سلطنت و جمهوری چگونه حل می‌شود؟

حقوق سیاسی بلوک چپ، میانه و راست چگونه تامین می‌شود؟

حقوق مزدبگیران، کارگران، کارمندان چگونه تامین می‌شود؟

حقوق اقوام چگونه تامین می‌شود؟

قطع خشونت و عفو عمومی چگونه انجام می‌شود.

ابتدا باید طرفداران انقلاب در احزاب سیاسی سازماندهی شوند. بعد انقلابیون باید توده ها را سازماندهی کنند. یک توده سازمان یافته نیروی قدرتمندی است که شکست دادن آن بسیار دشوار است. ماشین‌های سرکوبگر نمی توانند در برابر قدرت یک انقلاب سازمان‌یافته‌ی میلیونی مقاومت کنند.

با شرایط ایران سازماندهی باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

* خودسازماندهی خودجوش واحدهای کوچک شکل بگیرد.
* سازمان‌های کوچک غیرمتمرکز در سراسر کشور تشکیل شود.
* تیم رهبری جمعی فعالیت‌های این سازمان‌های کوچک غیرمتمرکز را هماهنگ می‌کند.

انقلاب باید از واحدهای کوچک تشکیل شود. واحدهای کوچکتر در انجام وظایف انقلابی خود چابک و زیرک هستند. این ساختارهای کوچک متعدد باید باهم هماهنگ شوند تا یک سازمان عظیم و قدرتمند را تشکیل دهند. این تنها راه شکست نیروهای سازمان‌یافته‌ی ستمگر است.

# رهبری

با درس‌گیری از نارسایی و معایب رهبری فردی و کاریزماتیک (فرمندانه) و امکانات رسانه‌های اجتماعی نوین، رهبری طراز نو با ویژگی نوین لازم است.

انقلاب به رهبری نیاز دارد. بی‌شک دوران مدرن رهبری تراز نوین را طلب می‌کند. معایب رهبری‌های کلاسیک که تغییرات کلان مثبت و یا منفی را رقم زدند، دلیل بر رد لزوم رهبری نیست، بلکه نگاه نو به رهبری و سازوکاری برای عدم تکرار جنبه‌ها منفی را در رستور کار ما قرار می‌دهد.

رهبری نوین ترکیب نادر شجاعت، هوشمندی، واکنش سریع و شنوایی قوی است.

رهبری نوین ترکیب همزمان هدایت کردن و پیروی کردن است: هدایت کردن جمع و پیروی کردن از نظر جمع.

رهبری نوین اراده معطوف به پیروزی و تسخیر قدرت است با روش‌های قهرپرهیز و پایان دادن به زنجیره و تسلسل قهر تاریخی در جامعه.

رهبری نوین آموزش، پرورش و راهنمایی است نه صدور دستور و فرمان.

رهبری نوین دانستن دقیق چگونه و چه زمانی باید قدرت، اختیار و مسئولیت به دیگران واگذار کردن، است.

رهبری نوین ریاست و تحکم نمی‌کند بلکه جذب می‌کند و هم‌دوش کنشگران میدانی می‌رزمد.

رهبری نوین نمی درخشد، بلکه بازتاب می‌دهد. ماهی است که نور خورشید مردم را بازتاب می‌دهد.

رهبری، هنر تأثیرگذاری است. توانایی ایجاد انگیزه، الهام بخشیدن و ترغیب افراد برای پیروز کردن انقلاب است.

رهبری نوین جمعی است تا وسیع‌ترین توده‌ها و گسترده‌ترین طیف‌ها را نمایندگی کند و اعضا رهبری با مهارت‌های گوناگون یکدیگر را تکمیل کنند.

رهبری نوین جمعی است تا وسیع‌ترین توده‌ها را از نظر قومی، سنی و جنسیتی نمایندگی کند.

رهبری نوین زمانمند و دوران رهبری آن محدود است. هیچ رهبری تا پایان زندگی قابل پذیرش نیست.

رهبری نوین برای مهارتش در رهبری انتخاب می‌شود نا بخاطر وابستگی خانوادگی، یا تعلق مذهبی و یا طبقاتی.

در شرایط ویژه اکنون ایران رهبری باید جمعی باشد، نیروی داخل، خارج، زنان، جوانان و اتنیک‌ها نمایندگی کند.

یکی از گفتمان‌های انحلال‌طلبانه این روزها، مطرح کردن «جنبش رهبری خود را خودش انتخاب می‌کند» است. تلاش بر قطع رابطه مبارزان پیشین و امروز، داخل و خارج از کشور است. این واگذاری رهبری به نیروی ناشناخته و مبهم از شکل‌گیری رهبری رزمجو، مطرح شدن و زبان گویا داشتن، جنبش سراسری را محروم می‌کند. یکی از اصلی‌ترین عمل مقبولیت این پیشنهاد مبهم سختی شکل دادن یک ستاد رهبری رزمجو و فراگیر است. رهبری باید افراد واقعی باشند و با چالش‌های کلان روز، روزانه روبرو ‌شوند و راه حل بیابند. رهبری باید جنبش را در سخت‌ترین شرایط به پیروزی رهنمون کند. رهبری همیشه لازم است، به ویژه در زمان‌های پر تلاطم امروز. انکار رهبری، در عمل دست کم گرفتن دشمن و نادیده‌گرفتن پیچیدگی انقلاب و نیاز نیروی هم‌جهت همه‌ی نیروها است.

مردم از شخصیت‌ها و تشکل‎های سیاسی درخواستِ ایجاد یک نهاد رهبری دارند. رهبری در جنبش ایران باید نهادی فراگیر باشد که از وابستگی به فرد و گروه جلوگیری کند و به فراگیری جنبش کنونی آسیب نرساند. اعتبار سازی و اعتمادسازی یکی از بزرگترین چالش‌های رهبری خواهد بود.

رهبری و سازماندهی یکی از اصلی‌ترین تضمین‌های عدم خلاء قدرت پس از سرنگونی و لازمه احیای قدرت دموکراتیک پسا حکومت اسلامی است.

# برنامه

جامعه شناسی کلاسیک لازمه انقلاب‌های پیروزمند را داشتن اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و دراز مدت روشن (استراتژی و تاکتیک‌ها)، سازماندهی و داشتن تشکیلات، رهبری و پیگیری، امید به پیروزی و خستگی‌ناپذیری توده‌ها می‌داند. آیا انقلاب در دوران معاصر ویژگی دیگر دارد؟ آیا رسانه‌های اجتماعی مدرن ما را از این لازمه‌های انقلاب بی‌نیاز می‌کنند؟

جمهوری اسلامی در بیش از چهار دهه یکی از بی‌کفایت‌ترین، خشن‌ترین، فاسدترین، تبعیض‌آمیزترین و جنگ‌طلب‌ترین حکومت‌های معاصر را به نمایش گذاشت.

علیرغم تلاش مذبوحانه رژیم ایدئولوژیک، سانسور بی حد و حصر و اخراج دگراندیشان از محیط آموزشی و کار، آگاه‌ترین جوانان و کارگران و کارکنان متولد پس از انقلاب بهمن در ایران پرورش یافتند. رژیم با سینما، موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی، ادبیات، هنر و دانش به ویژه علوم انسانی و اجتماعی سر ستیز دارد. اما نسلی آگاه و فرهیخته در ایران پرورش یافت. جوانان، زنان و اکثریت ایرانیان **فرهنگ حکومت اسلامی** را نمی‌خواهند.

علیرغم تبعیض همه‌جانبه نسبت به زنان از خانه تا سپهر اجتماعی، زنان ما آگاه و مصمم و الهامبخش علیه تبعیض و قوانین شرعی قرون وسطایی مبارزه می‌کنند. علیرغم سنگ‌اندازی و تبعیض حکومت اسلامی دختران دانشجوی ما بیشتر و بهتر از پسران در محیط‌های آموزش عالی هستند. زنان و اکثریت ایرانیان **تبعیض جنسیتی حکومت اسلامی** را بر نمی‌تابند.

حکومت اسلامی صنعت، کشاورزی، دامداری، باغداری و طبیعت ایران را نابود کرده است. گرانی و فقر بیداد می‌کند. مبارزه معلمان و بازنشستگان نتیجه ملموسی نداد. درآمدها و سرمایه‌های کشور خرج جنگ‌های نیابتی و توسعه خرافات می‌شود. مردم ایران کار و درآمد، اقتصاد و معیشتی در خور کرامت انسانی می‌خواهند.

در استان‌هایی مثل سیستان و بلوچستان، خوزستان و کردستان بیکاری بیداد می‌کند. مردم از اصلی‌ترین احتیاجات زندگی چون آب آشامیدنی، مدارس و بیمارستان محروم هستند. رژیم خواست‌های بر حق این عزیزان را با سرکوب و اعدام پاسخ می‌دهد و به آنها اتهامات بی‌اساس می‌زند. مردم ما در سراسر کشور فریاد زدند که سیستان و بلوچستان، خوزستان و کردستان چشم و چراغ مردم ایران هستند. مردم ما با همبستگی ملی کنار این عزیران برای از میان برداشتن تبعیض حاشیه و مرکز و نیل به حقوق شهروندی، کرامت، رفاه سربلندی ایستاده‌اند.

جهان از قرون وسطی گذر کرد. مردم آزادی می‌خواهند و به فردیت، کرامت انسانی و حقوق بشر و شهروندی ارج می‌نهند. نسل جوان می‌خواهد در این جهان بهم پیوسته، شهروند جهان و در صف گردان سترگ صلح و دوستی بین‌المللی باشد. بتواند آزادانه و سرفراز به هر کجا می‌خواهد سفر کند، تحصیل و یا کار کند. آزاد باشد و با رسانه‌های اجتماعی با دوستان و مردم جهان ارتباط داشته باشد. برای لباس و بدن خود خودش تصمیم بگیرد. نسلی با شور زندگی که با تحجر، زندگی گریزی و شادی‌ستیزی احمد جنتی‌ها، علی خامنه‌ای‌ها و ابراهیم رئیسی‌ها سر آشتی ندارد. بر این نسل آگاه و پرشور نمی‌توان با الگوی خلفای راشدین و ولایت مطلقه فقیه تمامیت‌خواه حکومت کرد.

این‌ها سرچشمه‌های پویا و پرشور نیروهای مردم برای براندازی است. وجود این نیروها به خودی خود باعث سرنگونی رژیم تمامیت‌خواه نمی‌شود. تاریخ هیچ انقلابی را نشان نمی‌دهد که بدون برنامه، سازماندهی، رهبری، استراتژی، تاکتیک، لژستیک، تداوم و خستگی‌ناپذیری، اراده‌ی تسخیر قدرت، جایگزین روشن، تبلیغات گسترده، انزوای دشمن و اقناع توده‌ها پیروز شده باشد. در عوض در تحلیل شکست خیزش‌ها کمبود یک یا چند از این مولفه‌های انقلاب را می‌بینیم.

وقتی می‌خواهیم به شهری دیگر سفر کنیم، شاید دقیق ندانیم در راه از پنجره ماشین یا قطار چه می‌بینیم، ولی مقصد روشن است. در انقلاب شاید ندانیم تا سرنگونی چه اتفاقات می‌افتد، ولی مقصد باید روشن باشد.

اهداف اصلی انقلاب و هدف نهایی انقلاب برای جلب حمایت عموم مردم و منسجم کردن صف ائتلاف ضد رژیم تعیین کننده است. آینده‌ی روشن همه‌ی نیروهای فعال در جبهه‌ی گسترده ائتلاف ضدفاشیستی باید تضمین شود.

در انقلاب ایران دموکراسی، حقوق بشر، آزادی، سکولاریسم، رفع تبعیض جنسیتی و اتنیکی، آزادی زبان‌های مادری و فرهنگ‌های بومی، عدالت اجتماعی، یکپارچگی سرزمینی، حقوق شهرندی، آزادی احزاب و حق تشکل‌یابی سیاسی، صنفی، مدنی، حفظ محیط زیست و مهمتر از همه حل قهرپرهیز مناقشات و نیل به خواست‌ها را باید بهم قول بدهیم و یا زیر سندی مشترک امضا کنیم.

# جایگزین روشن

هر چند اکنون باید تمام توان خود را بر تسخیر قدرت متمرکز کنیم و درگیر شدن و تفرقه درباره جزئیات نظام آینده ما را از مبرم‌ترین وظیفه کنونی یعنی سرنگونی رژیم باز می‌دارد، اما رهبری باید تصویر روشن از حکومت آتی، پایبندی آن به دموکراسی، آزادی، سکولاریسم، حقوق بشر، کرامت انسانی، رفاه عمومی و رفع هرگونه تبعیض جنسیتی، قومی و مذهبی، همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای منطقه و جهان را تضمین کند. کثرت‌گرایی، رواداری و قهرپرهیزی،پایبندی به اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های پیوست آن و حقوق شهروندی، امیدواری به آینده روشن را در میان مبارزان میدانی و مردم زنده می‌کند.

تصویر دورنمای تشکیل دولت انتقالی و مجلس موسسان منتخب برای تدوین قانون اساسی جدید نیز مسیر آینده را روشن‌تر می‌کند.

# نقشه راه

همه‌ی جزئیات شیوه‌ی سرنگونی رژیم را نمی‌توان از پیش تعیین کرد. توازن قوا و شیوه سرکوب رژیم، تاکتیک‌ها مناسب می‌طلبد. اما نقشه کلی راه باید برای همه‌ی ما روشن باشد که به کجا می‌رویم.

نمونه‌ای از شمای کلی نقشه راه برای سرنگونی می‌تواند به شکل زیر باشد:

پیش از سرنگونی

* هماهنگ و هدفمند کردن اعتراضات خیابانی، تحصن‌ها، اعتصابات و اعتراضات کارگری، اعتراضات معلمان، رانندگان، باز نشستگان و…. برای نشانه گرفتن نیروی سرکوب، قدرت تبلیغ و توان مالی رژیم.
* افشای رژیم و انزوای ملی و بین‌المللی آن. نمایندگی کردن مردم ایران در نهادهای بین‌المللی
* تشکیل پارلمان در تبعید
* تشکیل دولت در تبعید

پس از سرنگونی

* تشکیل دولت موقت
* همه‌پرسی شکل نظام
* تشکیل مجلس موسسان
* تصویب قانون اساسی
* انتخابات مجلس نمایندگان
* تشکیل دولت

# مبارزه خشونت‌پرهیز

مبارزه خشونت‌پرهیز هم استراتژی و هم تاکتیک انقلاب مردمی است. مردم هیچ نفی از خشونت نمی‌برند، بهای همه‌ی خشونت‌ها چه مالی، چه زیرساختی و چه جانی را مردم می‌پردازند. از اینرو مردم همیشه خواهان تغییرات بنیادی و دموکراتیک بدون خشونت هستند با حق حفظ دفاع مشروع از خود که در اعلامیه جهانی بشر تصریح شده است. لازم به تاکید است که اعلامیه جهانی حقوق بشر بر قوانین اساسی و قوانین مصوبه دولت‌ها و مجلس‌های قانوگذاری برتری دارد.

بحث خشونت‌پرهیزی در انقلاب پیچیدگی عملی دارد. از یک سو، مردم هیچ سودی از خشونت نمی‌برند، از سوی دیگر رژیم سعی می‌کند برای توجیه خشونت خود انقلاب را به خشونت و یا حتی جنگ داخلی سوق دهد، تا خشونت خود را توجیه کند.

مردم خشونت‌پرهیزند. خشونت‌پرهیزی مردم به معنی انفعال، سازش با تمامیت‌خواهی و خودداری از انقلاب نیست.

# عفو عمومی

انقلاب در پی گرفتن انتقام نیست. انقلاب درپی سپردن قدرت به دست مردم است. ما خواهان لغو اعدام و پایان دادن به چرخه خشونت در ایران و منطقه هستیم.

انقلاب «زن، زندگی، آزادی» نفی حکومت اسلامی، ایدئولوژی، فرهنگ، اخلاق، وقاحت و شیوه زمامداری آن است. بنیادی‌ترین هدف ما ایجاد ایرانی آزاد، آباد، انسانی و آرام است. پایان دادن به چرخه‌ی خشونت و خونخواهی در ایرانِ پس از براندازی برنامه‌ی رژیم برآمده از انقلابِ آتی است. دامن‌زدن به خشونت و مقابله به‌مثل در فرهنگ و اخلاق انقلاب «زن، زندگی، آزادی» نیست.

# همه‌پرسی

انتخاب شکل نظام (جمهوری یا مشروطه سلطنتی) و رد یا تصویب قانون اساسی مصوب مجلس موسسان با یک هَمه‌پُرسی یا رِفِراندوم تعیین می‌شود.

هر چند همه آزادند نظام و ویژگی نظام سیاسی-اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی پسا جمهوری اسلامی را تبلیغ و ترویج کنند. ما در این تبلیغ و ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز، دموکراسی، رواداری و سعه صدر را تمرین می‌کنیم، ولی همه‌ی تصمیمات را در نهایت مردم ما در نظام دموکراتیم آینده می‌گیرند. هیچ شخصیت یا حزبی نمی‌تواند خواست‌ها، ترجیحات و الویت‌های خود را بر جنبش تحمیل کند.

# اعتراضات ملی و سراسری

اعتراضات باید سراسری، هماهنگ و در حد امکان بلند مدت باشد تا به نیروی سرکوب امان تمرکز در یک محل و سرکوب را ندهد، تا به نیروی سرکوب امکان تجدید قوا ندهد.

اعتراضات باید هدفمند و افشاگر و وحدت‌بخش باشد و از فرسایش و خستگی نیروی مردم جلوگیری کند.

# اعتراضات برون مرز

راهپیمایی‌ها و اعتراضات برون مرز تاثیر شگرفی بر آگاهی مردم جهان و در نتیجه‌ی آن دولت‌های آنها برای اقدام موثر علیه نظام و انزوای آن دارد.

نشان دادن اتحاد و همبستگی ملی و افشاگری باید بیش از پیش تقویت شود.

# اعتصابات

اعتصابات باید هوشمند و فلج کننده باشد. توان سرکوب و قدرت مالی و قدرت تبلیغی رژیم را هدف قرار دهد و از فرسودن توان کارگران و کارمندان، آسیب رساندن به نیازهای بسیار حیاتی مردم دوری کند.

اعتصاب‌های کارگران باید از سوی احزاب، شخصیت‌ها، نهادها، سرمایه‌داران و ثروتمندان ملی حمایت همه‌‌جانبه مالی، سیاسی و تبلیغی شود.

برای اعتصاب‌های موفق و موثر برنامه ریزی و تشکل و همکاری لازم است. تشکیل صندوق اعتصاب، کاهش یا بخشیدن اجاره کسب و کارهایی که به اعتصاب پیوستند از سوی مالکان وطن‌پرست نمونه کمک به موثرتر شدن اعتصابات است.

# نافرمانی مدنی

بدون کار، بدون پشتیبانی و بدون همراهی مردم، رژیم قادر به هیچ کاری نیست. زندگی رژیم در دست مردم است. مردم برای سرنگون کردن رژیم امکانات وسیع و کم‌خطر نافرمانی مدنی را دارند.

نافرمانی مدنی روش مبارزه بدون خشونت و اعتراض به سیاست‌های رژیم است. دراین روش با بی‌اعتنایی به قوانین غیرمنطقی، غیرعادلانه و غیرانسانی، سعی در تضعیف قابلیت اجرای قانون ناعادلانه که یکی از مهم‌ترین ابزارها و پایه‌های قدرت رژیم است، می‌شود.

‏تظاهرات خیابانی و اعتصابات باید با نافرمانی مدنی پشتیبانی شود. نادیده گرفتن قوانین غیرانسانی، کم‌کاری، تحریم شرکت‌های وابسته به بیت رهبری، سپاه و بسیج، خارج کردن پول از بانک، افشاگری و یا قطع رابطه با آشنایان وابسته به نظام، شرکت نکردن در مراسم تبلیغاتی و نمایشی رژیم، شرکت نکردن در رای‌گیری‌های فرمایشی از جمله نافرمانی‌هایی است که می‌توان نام برد.



نافرمانی مدنی در اعتراض به حجاب اجباری

# استراتژی

رهبری جمعی انقلاب باید روش کلی رسیدن به هدف اصلی جنبش که سرنگونی رژیم است را روشن بیان کند. شیوه‌ی بهره‌گیری از امکان‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تبلیغی، روانی و نظامی در سرنگونی رژیم راترسیم کند.

# تاکتیک

رهبری جمعی انقلاب باید دید روشنی داشته باشد که هدف کلی سرنگونی رژیم از چه مراحلی می‌گذرد. رهبری باید با تماس دائمی با رهبران میدانی و جمع‌بندی و همرسانی نظرات و تجارب آنها تاکتیک‌های جنبش را به‌روز کند.

برای سرنگونی رژیم باید ریزش هواداران، انزوای بین‌المللی، جلب حمایت توده‌ها، هماهنگی و حمایت تشکل‌های سیاسی، صنفی، مدنی و محیط زیست از جنبش عملی شود. رهبری باید تاکتیک‌های نیل این اهداف را روشن کند.

# لژستیک

داشتن استراتژی و تاکتیک به تنهایی کافی نیست. باید برای اجرای استراتژی و تاکتیک، یک سازمان لژستیک حساب شده لازم است.

مبارزه با رژیم فاشیستی یک جنگ تمام عیار است. ابزارهای مبارزه، خدمات، پول و جریان اطلاعات در سرتاسر کشور باید در یک زنجیره تحت رهبری تأمین و مدیریت شود.

چگونه با قطع اینترنت باید مقابله کرد؟ چگونه رهبران میدانی که مجبور به زندگی مخفی می‌شوند را کمک کنیم؟ چگونه به دستگیرشدگان کمک کنیم؟ تبلیغات در داخل برای آگاهی رسانی و اقناع توده‌ها و در خارج برای انزوای کامل رژیم چگونه تقویت شود؟ چگونه برای جنبش امکانات مالی و تدارکات تامین شود؟ چگونه از کارگران و کارمندانی که به اعتصابات می‌پیوندند حمایت معنوی و مادی کنیم؟ همه‌ی این پرسش‌ها و صدها پرسش لژستیکی دیگر باید با یک رهبری جمعی، متمرکز و چابک پاسخ مناسب پیدا کند.

# تبلیغات

دشمن زرادخانه دروغ، تحریف و تهمت گسترده دارد. تبلیغ، ترویج، افشاگری و همرسانی دستاوردهای مبارزه میدانی یکی از عمده‌ترین وظیفه رهبری است.

امکانات تبلیغی کوچک در جنبش باید بهم بپیوندند تا کمیت، کیفیت و اثربخشی لازم را پیدا کنند.

# شعارها

مردم در شعارهای آهنگین خواست‌های جمعی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود را در خیابان‌ها فریاد زدند. این شعارهای خودجوش و امیدآفرین که از دلِ خردِ همگانی تظاهرکنندگان فرا روئیدند با اسلام سیاسی مرزبندی قاطع دارند؛ انعکاس برنامه انقلاب و یکی از دستاوردهای بزرگ آن است.

هم بر روی «شعارهای عمل»که برای لحظه‌ی معین و مقصد مشخص فوری معینی به‌کار می‌رود و هم شعارهای دراز مدت باید تاکید کرد.

# امید

امید به پیروزی بر رژیم، و امکان منزوی کردن مطلق و شکست رژیم یکی از اصلی‌ترین و کارآترین سلاح مردم است. از اینروست که رژیم تمام زرداخانه تبلیغاتی خود را به‌کار گرفته است تا نشان دهد شکست‌ناپذیر است، طرفداران زیاد دارد و معترضان اندک هستند. باید با تمام توان امید را زنده نگهداریم.

# تداوم و خستگی‌ناپذیری

زمان سرنگونی قابل پیش‌بینی نیست. امکان طولانی شدن مبارزه وجود دارد. اما لازمه سرنگونی تداوم و خستگی‌ناپذیری جنبش است. یکی از اصلی‌ترین وظیفه رهبری الهام‌دهی و امیدبخشی است.

# هنر

در انقلاب «زن، زندگی، آزادی» یک هنر اعتراضی شکوهمند شکل گرفت. بسیاری از هنرمندان به صفوف مردم پیوستند و شاهکارهایی هنر مردمی و اعتراضی خلق کردند. این توپخانه سنگین هنرمندان تمامی پایه‌های ارزشی و ایدئولوژیک رژیم را ویران کرده است. این هنرها اعتراضی از دبستان‌های ایران تا گروه کُرهای زنان در کشورهای دموکراتیک را تسخیر کرده است.

بسیار از هنرمندان به انقلاب پیوستند و از تولیدات فرمایشی دست کشیدند. رژیم ضدهنر دست به دامن هنرمندان شد و آنها تهدید کرد تا به تولیدات دولتی بپردازند.

هنر اعتراضی در افشای رژیم، در تبلیغ و ترویج ارزش‌های انقلاب و بالابردن روحیه همبستگی و رزمجویی انقلابیون نقش بنیادی دارد. در انتشار آن بیش از پیش بکوشیم.

# فرهنگ

انقلاب «زن، زندگی، آزادی» از یک اعتراض، یک خیزش یا یک جنبش فراتر می‌رود و یک رنسانس و یک انقلاب فرهنگی نیز است.

بر بستر اسلام اصلاح نشده و انطباق نیافته با حقوق بشر و حقوق شهروندی، بر بستر فرهنگی که فردیت در آن جایی ندارد، بر بستر فرهنگی تبعیض جنسی و قومی دیرینه و نهادینه‌شده، فرهنگی نوین با ارزش انسانی و احترام بیکران به کرامت انسان و فرد و تبعض‌ستیز در همه عرصه‌ها در حال شکل‌گیری است.

این فرهنگ انکار فرهنگ ایدئوژیک و امت و امام است و مبشر حقوق شهروندی و آزادی فردی با مسئولیت اجتماعی است.

# نظریه‌پردازی

ما نمی‌توانیم تنها با شعارها و احساسات آینده را ترسیم کنیم. باید خواست‌هایمان و آنچه نفی حکومت اسلامی است را دقیق‌تر با توصیف نظری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و برنامه‌ای معرفی کنیم.

نحوه‌ی برآمدن و ساخته شدنِ آرزوها و شعارهای ما چگونه است؟ ما باید دید روشن از چگونگی گذارها و رسیدن به هدف‌ها داشته باشیم:

گذر از اسلام سیاسی

گذر از اصلاح طلبی

گذر از تمرکزگرایی

گذر رهبری فردی و اقتدار کاریزماتیک

رسیدن به آزادی

رسیدن به دموکراسی

رسیدن به «یک زندگی عادی»

رفع تبعیض

رسیدن به حقوق بشر و حقوق شهروندی

جمعبندی مبارزات، تعمیم تجربیات و غنی کردن تئوری انقلاب اهمیت بنیادی دارد.

یک نظر وجود دارد که پرداختن به آینده جدایی می‌آورد، ولی من فکر می‌کنم برعکس. آینده بی‌شک تکثرگرا است و نظرات گوناگون و راه حل‌های متفاوت و گاه متضاد وجود دارد. این هم طبیعی است و هم مثبت. آنچه مهم است توافق بر سر این است که ما اختلاف نظرها و گوناگونی برنامه‌ها را چگونه در نظام دموکراتیک و روادار حل می‌کنیم.

برای انقلاب، مبارزه ایدئولوژیک با اسلام سیاسی و نشان دادن ریا، سالوس و بنیان جعلی ولایت فقیه اهمیت فراوان دارد و در ریزش نیروهای سالم طرفدار رژیم بسیار موثر است.

# دورنمای نظام آینده

نظام آینده دموکراتیک، سکولار و کثرت‌گرا است. همه‌ی احزاب آزادند و به میزان حمایتی که از مردم دارند در سرنوشت کشور دخالت خواهند کرد.

ما به هم قول می‌دهیم و پیمان می‌بندیم برای رسیدن به خواست‌های خود، اجرای برنامه‌های خود و حل مناقشات و اختلافات هرگز و به هیچ وجه دست به سلاح نمی‌بریم. داور رقابت‌ها بین احزاب سیاسی، مردم و رای مردم خواهد بود.

# دولت در تبعید

معمولاً در زمان اشغال، جنگ، جنگ داخلی، انقلاب یا کودتای نظامی‌ و یا زمانی که اعتقاد گسترده به غیرقانونی بودن یک دولت حاکم وجود داشته باشد، دولت‌های در تبعید تشکیل می‌شود.

در شرایط کنونی انقلاب ایران، دولت در تبعید می‌تواند سودمند باشد و در صورت جلب حمایت ملی و بین‌المللی چالشی جدی برای رژیم اسلامی شود.

دولت در تبعید می‌تواند گسترده و با پارلمان در تبعید باشد و یا بدون پارلمان با یک سخنگو و به عنوان نمونه سه وزیر خارجه، دادگستری و دفاع تشکیل می‌شود.

دولت در تبعید موقت است و صلاحیت تدوین هیچ قانونی را ندارد و به محض فروپاشی رژیم حاکم منحل و اعضای آن عزل می‌شوند. این دولت تمرین دولت دموکراسی است و در جلب حمایت بین‌المللی رساندن صدای انقلاب و مردم به جهانیان می‌تواند موثر باشد.

# دولت موقت

دولت موقت در دوران برزخ سیاسی پس از سزنگونی تشکیل می‌شود و تا زمان تصویب قانون اساسی جدید و بنیانگذاری نهادهای سیاسی دولت دموکراتیک، عهده‌دار امور کشور می‌شود.

# پارلمان در تبعید

تشکیل یک پارلمان در تبعید که بتواند پشتیبانی مردم ایران و دولت‌های دموکراتیک و نهادهای بین‌المللی را جلب کند کمک بزرگی به پیروزی مردم خواهد کرد.

پارلمان در تبعید موقت است و صلاحیت تدوین هیچ قانونی را ندارد و به محض فروپاشی رژیم حاکم منحل و اعضای آن عزل می‌شوند.

تشکیل پارلمان در تبعید می‌تواند رهبری جمعی سیاسی ایجاد کند. برنامه سرنگونی که مورد اجماع مردم است را تدوین کند.

پارلمان می‌تواند محلی برای تمرین دموکراسی، نشان دادن پختگی احزاب سیاسی در کار جمعی باشد. نگرانی‌های مردم از تجزیه ایران و هرج و مرج ناشی بعد از سقوط رژیم را برطرف کند.

توده‌های میلیونی مردم را به حرکت درآورد و با شرکت آنها در نافرمانی‌های مدنی، اعتصاب‌ها و تظاهرات بزرگ میلیونی، پیروزی انقلاب تسریع کند.

تمرین دموکراسی و رواداری کند و به مردم ثابت کند که فرمانروایی در ایران کثرت‌گرای فردا با دموکراسی، رواداری و احترام متقابل عملی است.

# رواداری

رواداری نیل به فضیلت و کمالی است که انسان در عین توانائی، نه تنها از تحمیل ارزش‌هائی که خود به آن باور دارد و ارج می‌نهد، به دیگران خوداری می‌کند، بلکه از برابری ارزش‌های خود با دیگران احساس خرسندی و خوشبختی می‌کند. انسان روادار به خود و انتخاب خود اطمینان دارد و علیرغم توانائی در تحمیل اراده و نظر خود به دیگران، به دلیل ایمان به حق طبیعی آزادی اندیشه انسان، از تحمیل نظر خود اجتناب می‌ورزد.

رواداری یکی از اصلی‌ترین شرط شکل‌گیری یک ائتلاف تاثیرگذار و مبارز است.

# نقد گذشته

در تاریخ ما رخدادهایی وجود دارد که ما نظرات یکسان در باره آن نداریم. احزاب سیاسی و شخصیت در مبارزه سیاسی خود کنش‌هایی داشتند که به نفع و در پشتیبانی حکومت اسلامی بود. نقد و بررسی گذشته باید در جهت جلوگیری از تکرار اشتباهات و فشرده‌شدن صفوف مبارزان باشد، نه برعکس.

ملاک همکاری و همقدمی باید موضع‌گیری کنونی و پایبندی به دموکراسی، کثرت‌گرایی، رواداری، حقوق شهروندی و حقوق بشر باشد و گرنه کسی پیدا نمی‌شود نخستین سنگ را بزند.

# تجربه مبارزاتی

ما هرچند هنوز موفق به برقراری نظامی دموکراتیک و نیل به آزادی نشدیم، ولی مبارزه قهرمانانه در تاریخ داریم.

تجربه‌ی سیاسی مبارزان دیروز و فداکاری، دلاوری و شور جوانان ایرانِ امروز در خیابان‌ها که حول شعار «زن، زندگی، آزادی» و برای براندازی نظام تمامیت‌خواه جانفشانی می‌کنند، باید به‌هم پیوند زده شود.

درس‌گیری از شکست‌ها و سرکوب‌های پیشین و شناخت نقاط ضعف و قوت مبارزات پیشین مبارزه امروز ما را شکست‌ناپذیر می‌کند.

# انزوای دشمن

دشمن باید هم در داخل و هم در سطح بین‌المللی افشا و منزوی شود.

عفو عمومی و امنیت آینده بدنه ارتش، سپاه و بسیج باید تضمین شود تا ریزش گسترده و رژیم در داخل منزوی شود. به همه‌ی نیروهای مسلح باید اطمینان داد که هیچ انتقامی در کار نیست. هدف سرنگونی رژیم و پایان قهر و خشونت در ایران عزیز ما است. آینده ایران به نیروی مسلح نیاز دارد، آنها هر چه زودتر به صفوف مردم بپیوندند، سرنگونی کم هزینه‌تر خواهد شد امنیت و آینده خانواده آنها مطمئن‌تر.

رژیم باید در سطح بین‌المللی افشا و منزوی شود. شکل‌گیری یک رهبری جمعی قدرتمند و اعلان ایرانی که به صلح و خلع سلاح اتمی جهانی تعلق خواهد داشت، این انزوا را تسهیل می‌کند.

# ریزش در نیروی سرکوب

یکی از بنیادی‌ترین وظیفه انقلاب ایجاد شکاف در رهبران رژیم و ریزش در نیروی سرکوب است. موثرترین روش نشان دادن سرشت حکومت تمامیت‌خواه، فساد، دروغ و ریای این رژیم است و نشان دادن اینکه وجود رژیم چه ویرانی در ایران ایجاد می‌کند.

عدم انتقام‌گیری، منع اعدام، بازبودن آغوش مردم برای پذیرش نیروهای انتظامی و هر چه زودتر پیوستن گرامی‌تر، می‌تواند ریزش را تسریع کند.

# اقناع توده‌ها

نیرو محرکه‌ی انقلاب و صاحب انقلاب مردم هستند. رهبری جمعی باید پژواک صدای مردم باشد. به مردم گوش کند، به مردم گزارش دهد، مردم را به درستی مواضع و عملکرد خود قانع کند.

رهبری باید به توده‌ها ثابت کند که معترضان توان مسلط‌ شدن بر کشور و اداره‌ی آن را دارند.

برای توده‌ها باید ثابت شود که سکولاریسم نه تنها مخالفتی با آزادی ادیان ندارد، بلکه آزادی همه ادیان است.

افکار عمومی ملی و جهانی را نباید به رژیم بسپاریم. باید با تمام توان در تاثیری گذاری در آن شرکت کنیم و لابیگری رژیم را که گاه پوشش‌های بسیار پیچیده دارد، خنثی کنیم.

# اراده‌ی تسخیر قدرت

مردم ایرانیان طی دهه‌های گذشته بارها برای تغییر مسالمت‌آمیز و اصلاحی رژیم کوشش کردند، ولی رژیم تمامیت‌خواه همواره به سلاح و سرکوب متوسل شد و ثابت کرد، ناشنوا و اصلاح‌ناپذیر است.

رژیم از پشتیبانی و مشروعیت نداشتن خود آگاه است. تنها تکیه‌گاه رژیم کاست خودی و نیروی سرکوب است. کاست ایدئولوژیک و تمامیت‌خواه اراده و توان همکاری با نیروهای اجتماعی و جامعه متکثر ایران را ندارد. ماهیت، مهارت و ساختار توان برآوردن خواست‌های انقلاب را ندارد. خواست‌های مردم چنان حیاتی و بنیادی است و چنان به زندگی عادی و روزمره مربوط است که قابل چشم‌پوشی نیست. از اینرو انقلاب و اراده‌ی معطوف به سرنگونی باید در سراسر جنبش، سازمان و رهبری آن جاری باشد.

برای تغییر سیاسی، داشتنِ تئوری و برنامه‌ی مبارزه کافی نیست و رهبری باید علاوه‌ بر آن استراتژی و تکتیک‌های تسخیر خیابان و نهادهای قدرت را به روشنی تدوین کند و هیچ‌چیز به شانس، امید و مجریان مبهم و ناشناخته واگذار نکند.

# تماس بین‌المللی

نهادی چون رهبری جمعی، پارلمان در تبعید یا دولت در تبعید باید در تماس بین‌المللی برای افشای رژیم و جلب پشتیبانی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی فعال شود.

انزوای کامل و قطع درآمد مالی و کاهش توان سرکوب رژیم فقط در یک تماس بین‌المللی، خنثی کردن لابی‌های پیچیده آن عملی است.

# چکیده

سرنگونی خشونت‌پرهیز یک رژیم تمامیت‌خواه و فاشیست، بسیج گسترده و رهبری رزمجوی متمرکز و چابک می‌طلبد. دشمن متمرکز است و امکانات وسیع رسانه‌ای، کنترل، تبلیغ و سرکوب دارد. این نیروی مادی متمرکز، گستاخ و خشن را باید با یک نیروی مادی متمرکز و قوی‌تر از آن، از میدان بدر کرد. این نیروی قوی‌تر، همبستگی ملی توده‌های میلیونی میدانی با رهبری جمعی رزمجوی متمرکز و چابک مجهز به برنامه، سازمان، استراتژی، تاکتیک، لژستیک، تبلیغات، امید و الهام‌بخشی، اراده قاطع تسخیر قدرت، جایگزین روشن، انزوای دشمن و اقناع توده‌ها است.

از اینرو، مبرمترین وظیفه جنبش اکنون سازمان دادن یک رهبری جمعی رزمجو و چابکِ مورد اعتماد توده‌های در میدان است.

احد قربانی دهناری

۹ دی ۱۴۰۱ - ۳۰ دسامبر ۲۰۲۲

پ.ن. ۱. من از همه‌ی کنشگران سیاسی، اجتماعی، صنفی، و مدنی، خواهش می‌کنم ابزارهایی را که برای انقلاب مناسب می‌بینند و روش استفاده از آن را معرفی کنند، تا ما با هم‌اندیشی ابزارهای انقلاب را معرفی کنیم.

پ.ن. ۲. بی‌شک هر کدام از این ابزارهای انقلاب که در این مقاله نام برده شد، بحث مفصل و تحلیلی می‌طلبد. امیدوارم همه کمک کنیم تا این ابزارها و شیوه کاربرد آن روشن‌تر شود.